

بررسی مسأله حجاب از منظر قرآن کریم با تکیه بر تفسیر المیزان

نورمحمد محمدی^۱

چکیده:

در تحقیق پیش رو ابتداء مفهوم شناسی کلماتی مانند حجاب و مصونیت و کلیاتی مانند حجاب از منظر ادیان و اقوام دیگر را مطرح کرده و در ادامه به اهمیت و ضرورت حجاب از منظر قرآن پرداخته و مواردی مانند حفظ عفاف، حفظ احترام و جلوگیری از مفاسد اجتماعی، ضرورت حجاب را تذکر می دهند. و در ادامه به فوائد حجاب در ابعاد چهارگانه فردی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی پرداخته شده و مصونیت، سلامت روانی را از فوائد فردی و ... اجتماعی و ... خانوادگی و ... اقتصادی را بیان کرده است.

کلید واژه: حجاب، مصونیت، مفاسد اجتماعی، المیزان

بررسی مسأله حجاب از منظر قرآن کریم با تکیه بر تفسیر المیزان



^۱ دانش پژوه مقطع کارشناسی رشته فقه و معارف اسلامی، مجتمع آموزش عالی اصفهان

مقدمه:

از جمله مباحثی که همواره به عنوان یک موضوع بحث بر انگیز و جنجالی، مطرح بوده، و ذهن و ضمیر انسان ها و جوامع بشری را به خود معطوف و مشغول ساخته است، مسئله حجاب و تعیین حدود و ثغور (مرز) آن، بوده است. عده ای رعایت حجاب و پوشش اسلامی را مانع حضور زنان در اجتماع تلقی کرده و مدعی هستند که رعایت حجاب برای خانم ها دست و پاگیر بوده و مانع فعالیت های آنها در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می شود و از این ناحیه، آسیب های اقتصادی به جامعه و پیامد های روحی و روانی برای خانم ها به ارمغان می آورد. برخی دیگر، قانون حجاب را مغایر اصل آزادی و دموکراسی معرفی نموده و با جدیت تمام با آن مخالفت می کنند و با کسانی که با میل و رغبت، حجاب و پوشش شان را به عنوان یک وظیفه و تکلیف رعایت کرده و در اجتماع ظاهر می شوند با شدت برخورد کرده و از امتیازات اساسی و مهم اجتماعی مثل رفتن به مدرسه، و دانشگاه، استخدام در ادارات دولتی و گرفتن امتیازات دیگر ۰۰۰ محروم می کند.

و عده ای قابل توجه حجاب را به عنوان یک اصل و رعایت آن را در جامعه لازم و ضروری دانسته و از آن دفاع و حمایت می کند.

لذا ما در این تحقیق مسئله حجاب، را از منظر المیزان بررسی کرده و در سه محور، مطالب مربوط به مسأله حجاب را بیان کردیم.

حجاب در لغت و اصطلاح

کلمه «حجاب» در لغت عرب با فارسی فرق می کند، در فارسی به معنی ستر است ولی در عربی به این معنی هرگز نمی آید بلکه به معنی پرده، و حاجب به معنی پرده دار است. (کتاب النکاح؛ ج ۱؛ ص ۳۲). حجاب در لغت به معنی چیزی است که در میان دو شیء حائل می شود (لسان العرب» ماده «حجب»). به همین جهت پرده ای که در میان امعاء و قلب و ریه کشیده شده «حجاب حاجز» نامیده شده است. (تفسیر نمونه؛ ج ۱۷؛ ص ۴۰۱). لذا به کار رفتن کلمه «حجاب» در پوشش زنان اصطلاحی است که بیشتر در عصر ما پیدا شده و اگر در تواریخ و روایات پیدا شود بسیار کم است. (همان؛ ص ۴۰۲).

معنای اصطلاحی:

- ۱- حجاب، داشتن پوشش ظاهری مناسب و منطبق با دستورات دین است.
- ۲- در زبان عربی حجاب به پرده ای که قلب را از سایر اعضای بدن جدا می کند گفته می شود. به نهبان و دربان نیز به این دلیل که مانع داخل شدن افراد می شود «حاجب» گفته می شود. در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن در توضیح معنای حجاب آمده است: (حجاب، حایل و جدا کننده و مانع تلاقی دو چیز یا اثر دو چیز است و آن دو چیز می تواند هر دو مادی یا هر دو معنوی یا یکی مادی و دیگری معنوی باشد و خود حاجب و مانع می تواند مادی یا معنوی باشد). کلمه ی حجاب در آیات مخصوص به همسران رسول الله (صلی الله علیه و آله و

سلم) و در روایات به همین معنای [حایل و مانع] بکار رفته است. در سوره احزاب درباره ی همسران رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»؛ و هنگامیکه از آنان [زنان رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)] چیزی می خواهید از ورای حجابی از آنان بخواهید. که این حجاب و حایل، پرده یا پارچه ای بوده که بخشی از اتاق را جدا می کرده است. در این تحقیق کلمه ی حجاب با معنای پوشش زن بر طبق موازین شرع در برابر نا محرم مورد توجه بوده است.

معنای لغوی عفاف:

از نظر لغت «عَفَّتْ» از عَفَّة و عَفَافَه (باقیمانده چیزی) گرفته شده، و به معنی اقتصار و قناعت کردن بر تناول شیء قلیل و مختصر است، که باقیمانده از چیزی است. سپس معنی از این فراتر رفته و راغب در مفردات گوید: «العَفَّةُ حُصُولُ حَالَةٍ لِلنَّفْسِ تَمْتَنِعُ بِهَا عَنِ غَلْبَةِ الشَّهْوَةِ» (مفردات راغب؛ ص ۳۳۹). عفت حاصل شدن حالتی برای نفس است. (اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین)؛ ج ۱؛ ص ۳۳۹). که امتناع می کند به سبب آن حالت از غلبه شهوت، به تعبیر ساده حالت کنترل در مقابل شهوات است. وقتی می گوئیم شهوت، فقط شهوت جنسی مراد نیست؛ بلکه معنی عام مراد است، شهوت مال، جاه، خوردن، تکلم کردن، شهوت جنسی و غیره، عَفَّتْ در همه اینها کنترل کننده است (همان؛ ص ۳۴۰).

مفهوم شناسی عفاف:

در عرف عرب حالت خویشتن داری «عفت» نامیده می شود که زینت او می گردد و نقطه ضعف ظاهری او را می پوشاند (پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج ۱۴؛ ص ۷۲۳) البته «عفاف» و «عفت» تنها به معنای خویشتن داری در برابر آلودگی های جنسی نیست آن گونه که در فارسی امروز ما معنا می شود، بلکه از نظر واژه عربی، هرگونه خویشتن داری در مقابل گناه و کار خلاف را فرا می گیرد. خداوند درباره جمعی از فقراى آبرومند و با ایمان می فرماید: «يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ» (سوره «بقره»؛ آیه ۲۷۳). شخص نادان آن ها را بر اثر عفت، غنی و ثروتمند می پندارد، بنابراین «عفت» به معنای خودداری کردن از حرام و هرگونه کار خلاف است؛ خواه در مسائل جنسی باشد یا غیر آن. (پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج ۱۴؛ ص ۷۲۳).

لذا عَفَّتْ فضیلت و حدّ اعتدال قوه شهویه است آن هم به معنای عام کلمه که هر جاذبه ای را نسبت به چیزی قوه شهویه می گویند مانند جاذبه مال، مقام، شهوت جنسی و غیره که اگر از حد بگذرد، حرص است و اگر به حدّ اعتدال نرسد، تنبلی و رکورد است و اگر حدّ اعتدال باشد عفاف است. (گفتار معصومین (ع)؛ ج ۱؛ ص ۱۳۸) از این رو «عفیف» به کسی می گویند که از چنین آفاتى خودداری کند، در تبیین این مفهوم می توان به کلام

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه اشاره کرد که فرمود: «وَلَا يَعْفُونَ عَنْ عَيْبٍ؛ (نهج البلاغه؛ خطبه ۸۸) و نه خود را از عیب بر کنار می دارند»، در این فراز «يَعْفُونَ» از ماده «عَفَا» (بر وزن ثواب) در اصل به معنای خودداری کردن از کارهای نارواست. (نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان؛ نص؛ ص ۱۷۲).

عَفَّتْ به معنای پاکدامنی:

در قرآن کریم می خوانیم: «وَلَيْسَتَعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ (سوره نور؛ آیه ۳۳) کسانی که امکانی برای ازدواج نمی یابند، باید عفت و پاکدامنی پیشه کنند تا خدا از فضل خود آنان را بی نیاز سازد.»

از آنجا که گاهی با تمام تلاش و کوشش، وسیله ازدواج فراهم نمی گردد و خواه یا ناخواه انسان مجبور است مدتی را با محرومیت بگذراند. مبدا کسانی که در این مرحله قرار دارند، گمان کنند که آلودگی جنسی برای آنان مجاز است و ضرورت چنین ایجاب می کند، لذا خداوند بلافاصله در این آیه به آن افراد دستور پارسایی می دهد. (برگزیده تفسیر نمونه؛ ج ۳؛ ص ۲۹۴).

حجاب از منظر ادیان دیگر و اقوام و ملل مختلف

۱- حجاب در آیین زردشت:

پوشش و لباس از نیازهای انسان به شمار می آید که از آغاز آفرینش به آن احتیاج داشته و کوشیده است خود را بپوشاند. در عهد سلیمان (ع)، زنان افزون بر پوشش بدن، رو بند هم به صورت می انداختند و این سنت در زمان حضرت ابراهیم (ع) نیز رایج بود (مهدی مهریزی، حجاب، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹، صص ۴۰ و ۴۱) در جامعه زرتشتی، لزوم پوشش زن، در مراسم عبادی و حرمت نگاه به زنان و همچنین طرح حدود کیفیت حجاب، از وجود پوشش زنان زرتشتی حکایت دارد. در زمان زرتشت، پوشش به صورت معمول نبود، ولی پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر میان همگان رایج بود زن با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد و همراه مردان کار می کرد، (علی محمدی آشتیانی، حجاب در ادیان الهی، قم، انتشارات یاقوت، ۱۳۷۸، صص ۹۵ و ۹۶)

۲- حجاب در آیین یهود:

در کتاب مقدس یهودیان، در موارد بسیاری یافت می شود که به طور صریح بر حجاب و پوشش زن و مسائل مربوط به آن تاکید شده است. حتی در برخی از آنها، لفظ چادر به کار رفته که نشان دهنده نوع پوشش زنان آن عصر است. سیره عملی یهودیان بر بهره مندی از چادر و برقع و رو بند (که بارها در تورات آمده است) و منع گفت و گوی علنی مردان و زنان حتی میان زن و شوهر، نشان دهنده وجود حجاب در شریعت یهود، بلکه بیان گر اجرای

سرسختانه و شدت عمل قوانین و سیره یهودیان درباره کیفیت حجاب است (همان، صص ۱۰۳ و ۱۱۵)

۳- حجاب در آیین مسیحیت:

در مسیحیت، به دلیل تقدس تجرد و برای از بین بردن زمینه تحریک و تحییج جوانان، رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش، به شکل شدید تری وارد شده است. در کتاب مقدس مسیحیان، به طور صریح، آیاتی درباره لزوم عفت و خانه نشینی، آراستگی زن به وسیله حیا، پرهیز از آرایش با جواهرات و بافتن مو و همچنین وجوب پوشاندن موی سر، به ویژه در مراسم عبادی و داشتن وقار و دوری از نگاه به نامحرم آمده که بیانگر حجاب واجب دینی است

۴- حجاب در آیین اسلام:

اسلام که آخرین و کامل ترین دین الهی است لباس را «هدیه الهی» معرفی نموده و وجوب پوشش زنان را با تعدیل و نظم مناسبی به جامعه بشری ارزانی داشته است. از انحرافات و با افراط و تفریطهای که پیرامون پوشش زنان وجود داشته است اجتناب نموده و در تشریح قانون حد و مرزی متناسب با غرایز انسانی را در نظر گرفته است .

در حجاب اسلامی، سخت گیری های بی مورد، وجود ندارد. حجاب اسلامی آنگونه که غرب تبلیغ می کند به معنای حبس زن در خانه یا پرده نشینی نیست، بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه موی سر و اندام را بپوشاند و به جلوگیری و خود نمایی نپردازد (حجاب حریم پاکی ها، موسسه جهانی سبئین . چ، ۱۳۸۶، ص، ۲۸)

الف) اهمیت حجاب:

جامعه اسلامی بایستی از عفت عمومی برخوردار باشد و امنیت فردی و اجتماعی زنان را فراهم سازد، به این منظور باید مردان به سلاح غیرت و زنان به سلاح حیا و متانت مسلح شوند و عفت اجتماعی را تضمین نمایند. خدشه دار شدن عفاف، امری بس خطرناک است، به همین دلیل اسلام در عمل منافی عفت شهادت چهار نفر عادل را شرط می داند و عملاً موارد عدیده ای زنا، مستور و مخفی می ماند و این در نظر اسلام راحت تر است از اینکه زن عقیفه ای مورد اتهام واقع شود، به همین دلیل چنانچه سه شاهد عادل بر زنا زنی شهادت بدهند چون به حد نصاب نرسیده اند، قاذف تلقی شده و احکام زیر برای آن ها اجرا شود:

- ۱_ ۸۰ تازیانه بخورند.
- ۲_ شهادت آن ها تا آخر عمر پذیرفته نیست.
- ۳_ ملکه عدالت ساقط شده و فاسق می شوند.

هرگاه چهار شاهد به عمل منافی عفت شهادت بدهند، مجازات سنگینی مقرر می شود و حکمتش را در سلامتی جامعه، از آلودگی ها و پلیدی ها دانست.

پس از بررسی اجمالی مفهوم عفاف و جایگاه و اهمیت آن باید به برخی از عوامل و زمینه هایی که در عفت و پوشش موثرند، اشاره نمود. اگر این عوامل مورد توجه واقع نشوند مسئله پوشش امری نا مفهوم خواهد شد و قابل اجرا نخواهد بود.

مسئله استیذان و محصور بودن روابط افراد خانواده، جنبه خانوادگی و مسئله نگاه و محدود بودن روابط اجتماع، جنبه اجتماعی قضیه است.

در چهار دیواری منزل، روابط و ضوابطی حاکم است که در بیرون حاکم نیست. چگونگی پوشش، برخورد ها و رفتارها با آنچه در بیرون می گذرد و انسان به آن پای بند است، کاملا تفاوت دارد. این حالت ها به طور طبیعی ویژه همان محدوده است و بسیاری هرگز روا نمی دانند که پرده بر افتد و آنچه در انسان است حتی به نزدیکان نشان داده شود. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ... "سوره نور (۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه ای غیر از خانه خود، بی آنکه اجازت طلبیده و بر ساکنانش سلام کرده باشید، داخل مشوید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید

انس به هر چیز و به سوی هر چیز " به معنای الفت گرفتن به آن و آرامش یافتن قلب به آن است، و کلمه " استیناس " به معنای عملی است که به این منظور انجام شود، مانند:

استیناس برای داخل شدن خانه به وسیله نام خدا بردن، و یا، یا الله گفتن، یا تنحج کردن و امثال آن، تا صاحب خانه بفهمد که شخصی می خواهد وارد شود، و خود را برای ورود او آماده کند، چه بسا می شود که صاحب خانه در حالی قرار دارد که نمی خواهد کسی او را به آن حال ببیند، و یا از وضعی که دارد با خبر شود.

از اینجا معلوم می شود که مصلحت این حکم پوشاندن عورات مردم، و حفظ احترام ایمان است، پس وقتی شخص داخل شونده هنگام دخولش به خانه غیر، استیناس کند، و صاحب خانه را به استیناس خود آگاه سازد، و بعد داخل شده و سلام کند، در حقیقت او را در پوشاندن آنچه باید بپوشاند کمک کرده، و نسبت به خود ایمنی اش داده.

و معلوم است که استمرار این شیوه پسندیده، مایه استحکام اخوت و الفت و تعاون عمومی بر اظهار جمیل و ستر قبیح است و جمله " ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ " هم اشاره به همین فواید است، یعنی شاید با استمرار بر این سیره متذکر وظیفه خود بشوید، که چه اموری را باید رعایت کنید، و چگونه سنت اخوت را در میان خود احیاء سازید، و در سایه آن، قلوب را با هم مالوف نموده، به تمامی سعادت های اجتماعی برسید.

بعضی (المیزان ج ۱۵، ص: ۱۵۳ به نقل از: روح المعانی. ج، ۱۸، ص، ۱۳۶) از مفسرین گفته‌اند: "جمله" لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ" تعلیل است برای مطلبی حذف شده و تقدیر آن "به شما چنین گفته شده تا شاید متذکر مواظب خدا بشوید و بدانید که علت و فلسفه این دستورات چیست" و بعضی (تفسیر المیزان ج، ۱۵، ص: ۱۵۳ به نقل از: مجمع البیان، ج، ۷، ص ۱۳۶) دیگر گفته‌اند تقدیر جمله حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا" ، "حتی تسلما و تستانسوا" می‌باشد، (تفسیر المیزان، ج، ۱۵، ص ۱۵۴)

ب) ضرورت حجاب:

اسلام برای انسان از آن جهت که انسان است- خواه مرد یا زن - اهمیت خاصی قائل است و در قرآن کریم آمده است: «ما فرزندان آدم را بسیار گرمی داشتیم و آنها را بر مرکب برّ و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم. اکرام فرزندان آدم زن و مرد را شامل می‌شود. امتیاز جنسیت مفهومی ندارد. کرامت هر انسانی به ایمان، عمل صالح تقوا بستگی دارد جنسیت از جهت فضیلت نقشی.

" وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا". ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتریشان نهادیم. (سوره اسراء آیه ۷۰)

پس اینکه فرمود: " وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ" مقصود از تکریم اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد، و با همین خصوصیت است که معنای "تکریم" با "تفضیل" فرق پیدا می‌کند، چون تکریم معنایی است نفسی و در تکریم کاری به غیر نیست، بلکه تنها شخص مورد تکریم مورد نظر است که دارای شرافتی و کرامتی بشود، به خلاف تفضیل که منظور از آن این است که شخص مورد تفضیل از دیگران برتری یابد، (ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص: ۲۱۴) ندارد و به جنبه حیوانی انسان مربوط است. ارجمندی و کرامت هر انسانی بسته به کمالات معنوی، خرمندی، پرهیز کاری و انجام کارهای خیر اوست.

آری، هر عملی که کرامت انسان را خدشه دار نماید، وقار انسان را از بین می‌برد و او را از جنبه شخصیت و انسانیت دور می‌نماید و به مرتبه حیوانیت تنزل می‌دهد. این عمل از نظر شریعت ناپسند بوده و برای انجام هر یک کیفر متناسب مقرر گردیده است. رعایت کردن حجاب و بی توجهی به آن، یکی از همان امور است. قرآن کریم در آیات بسیاری به این موضوع پرداخته است.

۱ - درسوره احزاب به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین خطاب می‌کند: می‌فرماید: ای پیامبر اسلام یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ -

إلی آخره:

ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فرو پوشند. این مناسب‌تر است، تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند. و خدا آمرزنده و مهربان است. (احزاب: ۵۹)

مفهوم عفاف در روایات

آنچه از مفهوم عفاف در روایات حاصل می‌شود، این است که هم در معنی وسیع آن استعمال شده، و نیز در مقابل شکم پرستی و شهوت جنسی به کار رفته است (اخلاق در قرآن؛ ج ۲؛ ص ۳۱۶). لذا امام امیرالمؤمنین علیه السلام، عفت را برترین عبادت شمرده است: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ» (اصول کافی؛ ج ۲؛ ص ۷۹) که تعبیر به عفت در این جا، ممکن است در هر دو مفهوم (مطلق و مقید) به کار رفته باشد.

لذا آن حضرت در فراز دیگر غیرت را در مفهوم عفت استعمال نمود و فرمود: «...عِفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ؛ وَ عَفْتُ هِر كَسْ بِه اَنْدَاذَه غَيْرَت اَوْسَتْ». (نهج البلاغه؛ کلمات قصار؛ کلمه ۴۷). همانگونه که امام باقر(ع) در تبیین مفهوم عفاف در مقابل شکم پرستی و شهوت جنسی می‌فرماید: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ؛ هَيْجْ عِبَادَتِي دَر پيشگاه خداوند، برتر از عَفْت در برابر شکم و مسایل جنسی نیست» (اخلاق در قرآن؛ ج ۲؛ ص ۳۱۶).

آیات قرآنی در باره حجاب

دستور حجاب یکی از مؤکدترین دستورهای اسلام است. قرآن مجید در آیات متعددی (سوره نور؛ آیات ۳۱ و ۶۰ /سوره احزاب؛ آیات ۵۳، ۳۳ و ۵۹). بر مسئله حجاب تأکید کرده است که گاهی زنان با ایمان را مخاطب قرار می‌دهد و گاهی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را و گاهی نیز با استثنا کردن زنان پیر و از کارافتاده، تکلیف بقیه را روشن می‌سازد؛ به این ترتیب با عبارات مختلف، اهمیّت این وظیفه اسلامی را بازگو می‌کند.

به عنوان نمونه در قرآن کریم می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» (سوره احزاب؛ آیه ۵۹). ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو جلبابها (روسری های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و (اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده) خداوند همواره غفور و رحیم است». (تفسیر نمونه؛ ج ۱۷؛ ص ۴۲۵).

در تفسیر علی بن ابراهیم در شان نزول آیه چنین آمده است: آن ایام زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند و پشت سر پیامبر ص نماز می‌گذاشتند، هنگام شب موقعی که برای نماز مغرب و عشا می‌رفتند بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آنها می‌نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آنها را آزار می‌دادند و مزاحم آنان می‌شدند، آیه فوق

نازل شد و به آنها دستور داد حجاب خود را بطور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند. (تفسیر نمونه؛ ج ۱۷؛ ص ۴۲۶)

لذا قرآن کریم به زنان با ایمان دستور می دهد که هر گونه بهانه و مستمسکی را از دست مفسده جویان بگیرند، هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل انگار و بی اعتنا نباشند مثل بعضی از زنان بی بند و بار که در عین داشتن حجاب آن چنان بی پروا و لایبالی هستند که غالباً قسمتهایی از بدنهای آنان نمایان است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آنها جلب می کند. (همان؛ ص ۴۲۸)

قدر مشترک ازواژه «جلباب» نیز این است که بدن را به وسیله آن بپوشانند بیشتر به نظر می رسد که منظور پوششی است که از روسری بزرگتر و از چادر کوچکتر است چنان که نویسنده «لسان العرب» روی آن تکیه کرده است.

و منظور از «یدنین» (نزدیک کنند) این است که زنان «جلباب» را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آنها را محفوظ دارد، نه اینکه آن را آزاد بگذارند به طوری که گاه و بیگاه کنار رود و بدن آشکار گردد، و به تعبیر ساده خودمان لباس خود را جمع و جور کنند. (همان.)

به هر حال «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابٍ» به هر معنایی که باشد منظور وجوب حجاب است و این آیه نشان می دهد که حجاب در اسلام واجب بوده است. و حکمت حجاب عدم تعرض به زنان مسلمان است (کتاب النکاح؛ ج ۱؛ ص ۵۴)

هم چنین در فراز قرآنی از مفهوم حجاب می خوانیم: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛ آنها باید خمارهای خود را بر سینه های خود بیفکنند» که «خمر» جمع «خمار» (بر وزن حجاب) در اصل به معنی پوشش است، ولی معمولاً به چیزی گفته می شود که زنان با آن (روسری) سر خود را می پوشانند. (تفسیر نمونه؛ ج ۱۴؛ ص ۴۴۰)

کلمه " جلابیب" جمع جلباب است، و آن جامه ای است سرتاسری که تمامی بدن را می پوشاند، و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر می شود، و منظور از جمله " پیش بکشند مقداری از جلباب خود را"، این است که آن را طوری بپوشند که زیر گلو و سینه هایشان در انظار ناظرین پیدا نباشد. (ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص: ۵۱۰)

" ذَلِكَ اَدْنَىٰ اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤَدَّبْنَ" - یعنی پوشاندن همه بدن به شناخته شدن به اینکه اهل عفت و حجاب و صلاح و سدادند نزدیک تر است، در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی شوند، یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنان نمی گردند.

بعضی (تفسیر المیزان به نقل: از لسان العرب، مجمع البحرين، مفردات راغب، قطر المحيط و تاج العروس.) از

مفسرین در معنای آن گفته‌اند: این پوشیدگی، نزدیک‌تر بودن ایشان به مسلمان بودن و آزاد بودن را می‌شناساند، چون زنان غیر مسلمان، و نیز کنیزان در آن دوره حجاب نداشتند، و حجاب علامت زنان مسلمان بود، و در نتیجه کسی متعرض آنان نمی‌شد، و حتی کسی نمی‌پنداشت که ایشان کنیز و یا غیر مسلمانند، و از ملت یهود و نصاری هستند لیکن معنای اول به ذهن نزدیک‌تر است.

در اینکه منظور از شناخته شدن چیست؟ دو نظر در میان مفسران وجود دارد که منافاتی با هم ندارند. نخست اینکه در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می‌آمدند، و از آنجا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آنها می‌شدند، در اینجا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه‌ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند.

بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند.

دیگر اینکه هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل‌انگار

و بی‌اعتنا نباشند مثل بعضی از زنان بی‌بند و بار که در عین داشتن حجاب آن چنان بی‌پروا و لابلالی هستند که غالباً قسمتهایی از بدنهای آنان نمایان است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آنها جلب می‌کند.

در اینکه منظور از "جلباب" چیست مفسران و ارباب لغت چند معنی برای آن ذکر کرده‌اند:

۱- ملحفه (چادر) و پارچه بزرگی که از روسری بلندتر است و سر و گردن و سینه‌ها را می‌پوشاند.

۲- مقنعه و خمار (روسری).

۳- پیراهن گشاد

گرچه این معانی با هم متفاوتند ولی قدر مشترک همه آنها این است که بدن را به وسیله آن بپوشاند (ضمناً باید توجه داشت "جلباب" به کسر و فتح جیم هر دو قرائت می‌شود).

اما بیشتر به نظر می‌رسد که منظور پوششی است که از روسری بزرگتر و از چادر کوچکتر است چنان که نویسنده "لسان العرب" روی آن تکیه کرده است. (تفسیر المیزان به نقل از: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص: ۴۲۸)

و منظور از "یدنین" (نزدیک کنند) این است که زنان "جلباب" را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آنها را محفوظ دارد، نه اینکه آن را آزاد بگذارند به طوری که گاه و بیگاه کنار رود و بدن آشکار گردد، و به تعبیر ساده خودمان لباس خود را جمع و جور کنند.

اما اینکه بعضی خواسته‌اند از این جمله استفاده کنند که صورت را نیز باید پوشانید هیچ دلالتی بر این معنی ندارد و کمتر کسی از مفسران پوشاندن

صورت را در مفهوم آیه داخل دانسته است

به هر حال از این آیه استفاده می‌شود که حکم "حجاب و پوشش" برای آزاد زنان قبل از این زمان نازل شده بود، ولی بعضی روی ساده‌اندیشی درست مراقب آن نبودند آیه فوق تاکید می‌کند که در رعایت آن دقیق باشند. و از آنجا که نزول این حکم، جمعی از زنان با ایمان را نسبت به گذشته پریشان می‌ساخت، در پایان آیه می‌افزاید: "خداوند همواره غفور و رحیم است" (وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا).

هر گاه از شما تا کنون در این امر کوتاهی شده چون بر اثر جهل و نادانی بوده است خداوند شما را خواهد بخشید، (تفسیر المیزان به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص: ۴۲۹)

۲- در سوره نور آیه ۳۰ خداوند . در رابطه با حجاب مردان چنین می‌فرماید: قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند. این برایشان پاکیزه‌تر است. زیرا خدا به کارهایی که می‌کنند آگاه است. (۳۰)

کلمه "غض" به معنای روی هم نهادن پلک‌های چشم است، و کلمه "ابصار" جمع بصر است که همان عضو بیننده باشد و از اینجا معلوم می‌شود که کلمه "من" در جمله "مِنْ أَبْصَارِهِمْ" برای ابتدای غایت است، و یا برای بیان جنس، و یا تبعیض باشد که هر یک را مفسری (کشاف، ج ۳، ص ۲۲۹ و روح المعانی، ج ۱۸، ص ۱۳۸). گفته، و معنایش این است که مؤمنین چشم‌پوشی را از خود چشم شروع کنند.

[دستور غض بصر و حفظ عورات و امر به حجاب داری و آشکار نساختن مواضع زینت و ...] پس در جمله "قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ" از آنجایی که کلمه "یغضوا" مترتب بر "قل - بگو" می‌باشد نظیر ترتیبی که جواب شرط بر شرط دارد قهرا دلالت می‌کند بر اینکه قول در اینجا به معنای امر است، و معنای جمله این است که به مؤمنین امر کن که چشم خود را بپوشند، و تقدیر آن این است که: "ایشان را امر به غض و چشم‌پوشی کن که اگر امر بکنی چشم خود را می‌پوشند"، و این آیه به جای اینکه نهی از چشم‌چرانی کند، امر به پوشیدن چشم کرده و فرقی ندارد، آن امر این نهی را هم افاده می‌کند و چون مطلق است نگاه به زن اجنبی را بر مردان، و نگاه به مرد اجنبی را بر زنان تحریم فرموده.

و جمله "وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ" نیز به معنای این است که به ایشان امر کن تا فرج خود را حفظ کنند و کلمه "فرجه" و "فرج" به معنای شکاف در میان دو چیز است که با آن از عورت کنایه آورده‌اند، و در قرآن کریم هم که سرشار از اخلاق و ادب است همیشه این کنایه را استعمال کرده، به طوری که راغب گفته در عرف هم به خاطر کثرت استعمال مانند نص و اسم صریح برای عورت شده است (مفردات راغب، ماده "فرج")

و مقابله‌ای که میان جمله "يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ" با جمله "يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ" افتاده، این معنا را می‌رساند که مراد از "حفظ فروج" پوشاندن آن از نظر نامحرمات است، نه حفظ آن از زنا و لواط که بعضی پنداشته‌اند، در روایت هم

از امام صادق (ع) رسیده که فرمود: تمامی آیاتی که در قرآن درباره حفظ فروج هست به معنای حفظ از زنا است، به غیر این آیه که منظور در آن حفظ از نظر است. و بنا بر این ممکن است جمله اولی از این دو جمله را با جمله دومی تقیید کرده، و گفت مدلول آیه تنها نهی از نظر کردن به عورت، و امر به پوشاندن آن است. آن گاه به مصلحت این حکم اشاره نموده، و با بیان آن مردم را تحریک می کند که مراقب این حکم باشند و آن اشاره این است که می فرماید: "این بهتر شما را پاک می کند، علاوه بر این خدا به آنچه می کنید با خبر است." (ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص: ۱۵۵)

یکی از فلسفه های حقیقی و خوب حجاب، حفظ آرامش زن، مصونیت جامعه از فساد و عمق و معنا بخشیدن به امنیت اجتماعی با توسعه آن می باشد. زیرا نفس آدمی، دریایی مواج از تمایلات و خواسته های اوست که مهم ترین آنها به خوراکی ها، امور جنسی و مال و جاه و مقام، مربوط می شود و بدون شک بالاترین خواسته های مردان، تمایل به جنس زن است. همانگونه که در سخنان عرفا آمده است: «أَعْظَمُ الشَّهْوَةِ، شَهْوَةُ النِّسَاءِ»، «بزرگ ترین خواسته های مرد، رغبت به زنان است». (محججه البیضاء، ج ۵، ص ۱۷۷) ارائه زیبایی ها و مواضع بدن زن، به شهوت و طمع مردان دامن می زند و آنها را به یک کانون جدی خطر مبدل می سازد که به سلب آرامش زن و امنیت اجتماعی منتهی می شود. آنچه می تواند از این ناامنی پیشگیری کند، پوشش زن از چشمان نامحرمان است که با حجاب کامل اسلامی عملی خواهد شد. پوشش دینی پیام عفت و شخصیت و خداترسی از ویژگی های زن مسلمان است و مردان جامعه نه تنها به چنین بانویی چشم طمع نخواهند داشت که او را نیرویی بالفعل در هرچه وسعت بخشیدن امنیت اجتماعی دانسته و نجابتش را می ستایند. در این صورت است که زن نه تنها در سنگر حجاب خود، از تیر نگاه های زهرآلود، سخنان آزاردهنده و برخوردهای اراذل جامعه در امان خواهد بود، بلکه امنیت و آرامش درونی خود و اجتماع خویش را برقرار خواهد کرد. نکته معنوی و عرفانی قابل ذکر در این باب، پیام الهی آفریدگار هستی، خطاب به زنان است: ای زن! آگاه باش، دنیا خراب آبادی است که هر نقطه آن به میهن های شیطان و نگاه های آلوده، ناامن گشته است. اما فرشته های حجاب در محفل انس و یاد خدا در امنیتی بی نظیر به سر می برند که دیگران از طعم آن بی خبرند. (محمدرضا اکبری، تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، ص ۱۴ - ۱۶)

۳- سوره نور درباره حجاب زنها می فرماید:

وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا یُبْدِیْنَ زِیْنَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَیْضُرْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ (سوره نور ۲۴ - ۳۱)

و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند و زینتهای خود را جز آن مقدار که

پیداست آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را تا گریبان فروگذارند و زینتهای خود را آشکار نکنند. (نور ۳۱)

" وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ ... "

کلام در جمله " وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ ... " همان است که در جمله " قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ ... " گذشت. پس برای زنان هم جایز نیست نظر کردن به چیزی که برای مردان جایز نیست، و بر ایشان هم واجب است که عورت خود را از اجنبی - چه مرد و چه زن - بپوشانند.

و اما اینکه فرمود: " وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا " کلمه " ابداء " به معنای اظهار است و مراد از " زینت زنان "، مواضع زینت است، زیرا اظهار خود زینت از قبیل گوشواره و دست بند حرام نیست، پس مراد از اظهار زینت، اظهار محل آنها است.

خدای تعالی از این حکم آنچه را که ظاهر است استثناء کرده. و در روایت آمده که مقصود از آنچه ظاهر است صورت و دو کف دست و قدمها می‌باشد،

" وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ " - کلمه " خمر " به دو ضمه - جمع خمار است، و " خمار " آن جامه‌ای است که زن سر خود را با آن می‌پیچد، و زاید آن را به سینه‌اش آویزان می‌کند. و کلمه " جیوب " جمع جیب - به فتح جیم و سکون یاء است که معنایش معروف است، و مراد از جیوب، سینه‌ها است، و معنایش این است که به زنان دستور بده تا اطراف مقنعه‌ها را به سینه‌های خود انداخته، آن را بپوشانند.

" وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ ... أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ " - کلمه " بعولته " به معنای شوهران است. و طوایف هفتگانه‌ای که قرآن از آنها نام برده محرم‌های نسبی و سببی هستند. و اجداد شوهران حکمشان حکم پدران ایشان، و نوه‌های شوهران حکمشان حکم فرزندان ایشان است.

و اینکه فرمود: " نسائهن " و زنان را اضافه کرد به ضمیر زنان، برای اشاره به این معنا بوده که مراد از " نساء " زنان مؤمنین است که جایز نیست خود را در برابر زنان غیر مؤمن برهنه کنند، از روایات وارده از ائمه اهل بیت (ع) هم همین معنا استفاده می‌شود.

اطلاق جمله " أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ " هم شامل غلامان می‌شود و هم کنیزان، و از روایات نیز این اطلاق استفاده می‌شود، هم چنان که به زودی خواهد آمد، و این جمله یکی از مواردی است که کلمه " ما " در صاحبان عقل استعمال شده، و در معنای " من - کسی که " به کار رفته است.

" أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ " - کلمه " اربه " به معنای حاجت است، و منظور از این حاجت شهوتی است که مردان را محتاج به ازدواج می‌کند، و کلمه " من الرجال " بیان تابعین است. و مراد از این رجال تابعین افراد سفیه و ابله‌ی هستند که تحت

قیمومت دیگران هستند و شهوت مردانگی ندارند. (ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص: ۱۵۶)

" أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ " - الف و لام در " الطفل " برای استغراق است و کلیت را می‌رساند، یعنی جماعت اطفالی که بر عورت‌های زنان غلبه نیافته‌اند یعنی آنچه از امور زنان که مردان از تصریح به آن شرم دارند، اطفال زشتی آن را درک نمی‌کنند، و این به طوری که دیگران هم گفته‌اند کنایه از حد بلوغ است.

" وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ " - پاهای خود را محکم به زمین نزنند تا صدای زیورآلاتشان از قبیل خلخال و گوشواره و دستبند به صدا در نیاید.

" وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ " - مراد از " توبه " به طوری که از سیاق بر می‌آید بازگشت به سوی خدای تعالی است، به امثال اوامر او، و انتهای از نواهی و خلاصه پیروی از راه و صراطش. (ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص: ۱۵۷)

فوائد حجاب

فرهنگ حجاب و عفاف و رعایت پوشش اسلامی به حیث عملی و نظری دارای آثار و فوائد ارزشمندی است که وجود این آثار و برکات اصل حجاب را ارزشمند نموده و آن را قابل دفاع و حمایت کرده است، از جمله ای این آثار می‌توان موارد ذیل را بر شمرد.

• حجاب تجلی ارزش واقعی زن و دوری از تعرض هوس بازان:

حجاب حبس و زندان زن نیست، بلکه برای مصونیت او لازم است، زیرا برای جلوگیری از سوء استفاده شهوانی و تجاری راهی مناسبتر از حفظ حجاب و ایفای نقش اجتماعی در چارچوب عفاف نمی‌باشد در این باره قرآن کریم می‌فرماید « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ وَ كَانِ اللَّهُ غَفُوراً. » (الاحزاب، آیه ۵۹)

ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادرهای خود فروپوشند که این کار برای این که آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق، آمرزنده و مهربان است.

تزکیه و طهارت که دو امر باطنی و قلبی محسوب می‌شوند، خصوصیتی هستند که در درون انسان شکل می‌گیرند و جلوه بیرونی آنها قابل مشاهده نیست، بنابراین شاید افرادی در ظاهر بتوانند خود را کنترل کنند و چیزی بروز ندهند اما در درون انسان تغ

رخ می‌دهد که برای انسان بسیار مهلک است و قطعاً مواجهه افسارگسیخته در جامعه از عوامل انکارناپذیر ویرانی خیمه تزکیه و

قُلْ دَسْتُ يَابِيْ بِه تَزْكِيَه، طَهَارَتِ نَفْسٍ وَ تَعْدِيْلِ غَرَائِزِ

لِلْمُؤْمِنِيْنَ يَغُضُّوْا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوْا : « طَهَارَتِ مِيْ بِاَشَدِّ كِه دَر دَرُوْنِ اِنْسَانِ شَكْلِ گَرَفْتِه اَسْت، خَدَاوْنِد دَر قُرْآنِ كَرِيْمِ مِي فَرْمَايِد

النور، ۳۰" (ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا بیپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ)
 «فَرُوجُهُمْ ذَلِكَ اَرْكَى لِهِمْ .
 دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است" .
 الاحزاب، ۵۳" (و .) « (وَاِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ اَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ : » و
 نیز در سوره احزاب آمده است
 هرگاه از زنان رسول متاعی میطلبید از پس پرده بطلبید، که حجاب برای آن که دل‌های شما و آنها پاک و
 پاکیزه بماند بهتر است" .
 پوشش مناسب در فرهنگ دینی عاملی برای تعدیل‌گریز است زیرا انسان موجودی است که برای رسیدن به
 کمال و معنویت نیازمند
 تنظیم و تعدیل‌گریز به ویژه‌گریزه جنسی است و اعتدال در اعمال‌گریز، انسان را به سوی کمال سوق می
 دهد. با توجه به
 واقعیت‌های علمی ثابت شده است که محرک مرد در مسائل جنسی بصری است، در حالی که این خصیصه در باره
 زنها کاملاً فرق می
 کند و لمسی است. ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه از حکمت‌های قابل توجه حجاب است که در مقابل،
 فقدان حجاب و آزادی
 معاشرت‌های بیبند و بار میان زن و مرد، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی میبخشد و تقاضای سکس
 را به صورت عطش
 روحی و یک خواست اشباع‌نشده درمیآورد). سایت اندیشه به نقل از جلال رفیع)
 ز ساحت خانواده از ساحت اجتماع و کار ۳- □ حجاب عامل تم
 حجاب عامل حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل، بیحجابی و بدحجابی که باعث
 کشاندن لذت‌های جنسی
 از محیط و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه میگردد. بدون تردید، مردی که
 در خیابان، بازار، اداره،
 ابد، □ کارخانه و . . همواره با قیافه‌های محرک و مهیج زنان بدحجاب و آرایش‌کرده مواجه باشد، تمرکز
 نیروی کار او کاهش م
 های جنسی درهم میآمیزند، اسلام میخواهد □ برخلاف نظام‌ها و کشورهای غربی، که میدان کار و فعالیت
 های اجتماعی را با لذت جو
 با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این گونه لذت‌ها پاک شده و لذت‌های جنسی، فقط در کادر
 خانواده و با ازدواج
 (۹۴- مشروع انجام شود). مسأله حجاب، مطهری، ص ۸۴

تفکیک حوزه کار و تلاش از حوزه خصوصی و امور مربوط به خانواده در یک جامعه، قطعاً موجب دقت، خلاقیت و تمرکز در فعالیتهای روزانه و امور اجتماعی می‌گردد و صد البته که متقابلاً حفظ حجاب و محدود ساختن امور شخصی و لذتهای جنسی در محیط خانه، در چارچوب اخلاق و شریعت اسلام باعث حفظ و انسجام خانواده می‌گردد و این امر، باعث پیوند و اتصال قویتر زن و شوهر و در نتیجه استحکام بیش تر کانون خانواده میگردد؛ و برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده است. (غلامعلی حداد عادل،

الف) فائده حجاب در بعد فردی

یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بعد فردی، ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی، در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرت های بی بند و باری میان زن و مرد، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می آورد. غریزه ی جنسی، غریزه ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هر چه بیشتر اطاعت شود بیشتر سرکش می گردد، همچون آتشی که هر چه هیزم آن زیادتر شود شعله ور تر می گردد. بهترین شاهد براین مطلب این است که در جهان غرب که با رواج بی حیایی و برهنگی، اطاعت از غریزه ی جنسی بیشتر شده است، هجوم مردم به مسئله ی سکس نیز زیاد تر شده است این مطلب پاسخ روشنی و قاطع به افرادی است که قایل اند همه ی گرفتاری هایی که در کشورهای اسلامی و شرقی برسر غریزه ی جنسی وجود دارد، ناشی از محدودیت هاست، و اگر به کلی هرگونه محدودیتی برداشته شود و روابط جنسی آزاد شود، این حرص و ولع که وجود دارد، از بین می رود. البته از این افراد باید پرسید، آیا غرب که محدودیت روابط زن و مرد و دختر و پسر را برداشته است، حرص و ولع جنسی در بین آنان فرو کش کرده است یا افزایش یافته است؟ پاسخ هر انسان واقع بین و منصفی به این سؤال این است که نه تنها حرص و ولع جنسی در غرب افزایش یافته است، بلکه هر روز شکل های جدید تری از تمتعات و بهره برداری های جنسی در آنها رواج و رسمیت می یابد (حجاب، کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی (خیمه گاه) آرتا رحیمی، ج ۳، چ، ۱۳۸۸ به نقل از: برای آگاهی از ابعاد گسترش این حرص و ولع ر. ک: جلال رفیع، یاد داشت ها و ره آورد های سفر نیبورک. در بهشت شداد آمریکای متمدن، آمریکای متوحش).

ب) فائده حجاب در بعد خانوادگی:

یکی از فواید مهم حجاب در بعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذ های جنسی، به محیط خانواده و در کادر ازدواج

مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قویتر زن و شوهر، در نتیجه استحکام بیشتر کانون خانواده می گردد، و بر عکس فقدان حجاب باعث انهدام خانواده است. یکی از نویسندگان، تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده، اینگونه بیان کرده است:

در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است مقایسه ای آنچه دارد با آنچه ندارد، و آنچه ریشه ای خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصا در و جود شوهر دامن می زند. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره اش شکفتگی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد. در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفا داری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نا مناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد، و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است،

و همه ای خواهران جوان لابد می دانند که هیچ جوانی نیست که به میان سالی و پیری نرسد و لابد می دانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت اند در فردای بی طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای خانواده ای فردای آنها، همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده ها ایجاد می کنند. (حجاب، کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی (خیمه گاه) آرتا رحیمی، ج ۳، چ، ۱۳۸۸ به نقل از: فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلام علی حدادعادل ص، ۶۹-۷۰)

ج) فائده حجاب در بعد اجتماعی:

یکی از فواید مهم حجاب در بعد اجتماعی، حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل، بی حجابی و بد حجابی باعث کشاندن لذت های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع، در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می گردد. بدون تر دید، مردی که در خیابان، بازار، اداره، کار خانه و همواره با قیافه های محرک و مهیج زنان بد حجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کار او کاهش می یابد. بر خلاف نظام ها و کشور های غربی، که میدان کار و فعالیت های اجتماعی را با لذت جوی های جنسی در هم می آمیزند، (همان به نقل از: کودک از نظر وراثت و تربیت ج ۲، و روح الله حسینیان حریم عفاف) اسلام می خواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این گونه لذت ها پاک شده، و لذت های جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود. (همان به نقل از: کتاب مسئله ی حجاب، استاد مطهری،

ص ۹۸۸۴، (با دخل و تصرف) اقتباس شده

(مفاسد اجتماعی چیست؟)

مفاسد اجتماعی به رفتارهای مخالف با قانون و عرف جامعه گفته می شود که آسیبهای آن به اجتماع و عموم جامعه بیشتر از آسیب های فردی است. مواردی همچون روابط نامشروع، بی حجابی و بد حجابی، اعتیاد، الکلیسم، ربا خواری، رانت خواری (از مفاسد اقتصادی که می تواند شاخه ای از مفاسد اجتماعی باشد)... نمونه هایی از مفاسد اجتماعی اند

علل بروز مفاسد اجتماعی:

گرچه انواع مفاسد اجتماعی هر کدام دارای علل مخصوص به خود است و ریشه یابی هر یک از آنها بطور مجزا به مجالی بیشتر نیازمند است اما به طور مختصر ریشه مشترک اکثر مفاسد اجتماعی را می توان موارد زیر دانست
عدم توضیح موارد ذیل به دلیل آشکاری آنها و از جهت یکفای العاقل بالاشاره می باشد :

هوای نفس و امیال سرکش حیوانی

لقمه حرام و ارتزاق شبهه ناک

فقر مالی و اقتصادی:

نابرابری و تبعیض در استفاده و بهره مندی از امکانات اجتماعی(رانت های اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی...)

بروز و ظهور پدیده آفازادگی به عنوان آسیب و آفت جدی جامعه و ویژه خواری آنها

تزلزل گرایش نسل جوان به دین به علت مشاهده ی ویژه خواری و عدم بر خورد مناسب با پدیده ی مذکور.

بی کاری فراوان و روی آوری جوانان به مشاغل کاذب و ممنوعه با ولع شدید به ثروت های یک شبه .

اسراف ناشی از ثروتهای بادآورده : بیشتر انحرافات جنسی و اعتیاد به مشروبات و مواد مخدر در بین اقشار پر درآمد اجتماعی ناشی از استغنا و ثروتمندی است.



منابع:

القرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۳۹.
۲. محمود بن زمخشری، الکشاف، ج ۲ دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۱، ص ۶۲-۶۳.
۳. عبدالرحمان سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، بیروت، انتشارات دارالفکر، ه. ق، ج ۱ ص ۱۸۶.
۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه؛ ج ۱۷؛ ص ۴۰۱.
۵. کشف، ج ۳، ص ۲۲۹ و روح المعانی، ج ۱۸، ص ۱۳۸.
۶. حجاب، کاری از وبسایت فرهنگی مذهبی (خیمه گاه) آرتا رحیمی، ج ۳، چ، ۱۳۸۸ به نقل از: فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلام علی حدادعادل ص، ۶۹-۷۰.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی؛ ج ۲؛ ص ۷۹.
۸. اخلاق در قرآن؛ ج ۲؛ ص ۳۱۶.
۹. لسان العرب» ماده «حجب».
۱۰. گفتار معصومین(ع)؛ ج ۱؛ ص ۱۳۸.
۱۱. پریچهر ابراهیمی، تأملی بر فرهنگ، تفاوت فرهنگ شرق و غرب.
۱۲. محمدعلی یوسفی زاده، مجله حوزه و دانشگاه، انسان موجودی فرهنگی، سال سوم، شماره ۱۳.
۱۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۹۹، ج ۵.
۱۴. بیانات مقام معظم رهبری ۲۱/۵/۷۱.
۱۵. نورالثقلین ج ۳ ص ۵۹۲.
۱۶. مهدی مهریزی، حجاب، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹، ص ۴۰ و ۴۱.
۱۷. علی محمدی آشتیانی، حجاب در ادیان الهی، قم، انتشارات یاقوت، ۱۳۷۸، صص ۹۵ و ۹۶.
۱۸. حجاب حریم پاکی ها، موسسه جهانی سبطین. ج، ۱۳۸۶، ص، ۲۸.
۱۹. وسیله العفاف، شیخ یوسف نجفی گیلانی، ص ۱۲۸.
۲۰. تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۱، ص ۳۳۶.
۲۱. رسائل حجابیه، رسول جعفریان، ج ۱، ص ۴۹۰.
۲۲. حریم عفاف، حجاب و نگاه روح الله حسینیان، ۴۸، به نقل از جنگ الجزایر.
۲۳. حجاب شناسی، حسین مهدی زاده، ص ۴۸.
۲۴. اروپایی ها و لباس ایرانیان، ص ۳۷.
۲۵. غرناطی، التسهیل العلوم التنزیل، ص ۱۵۱.
۲۶. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۱۵.

بررسی مسأله حجاب از منظر قرآن کریم با تکیه بر تفسیر المیزان

۲۷. ثواب الاعمال، ص ۱۱۰
۲۸. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۲۴۳
۲۹. مهر تابان احمد حسین حسینی طهرانی، ص ۲۵
۳۰. بیانات حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی؛ درس خارج فقه؛ مسجد اعظم قم؛ ۱۳۹۰/۱۰/۲۱.

بررسی مسأله حجاب از منظر قرآن کریم با تکیه بر تفسیر المیزان

